

است که از بزرگ فرهنگبان اسلام به ودیعت مانده است. اگر نگاهی به آسمان آثار آیت‌الله مرعشی بیندازیم، ستارگان فروزان و فراوانی خواهیم دید که همگی حاکی از جهاد و اجتهادی عاشقانه است، و هر یک روایت رسا و روشنی است از عشق غیوری که یک فقیه فرهیخته و مرجع متشرع و متشخص می‌توانست به حق و حقیقت داشته باشد.^۱ در این میان، احقاق الحق را حکایتی دیگر، و فصلی فراتر است، که در آسمان آثار آن یار سفرکرده، به تنهایی کهکشانی بلند و بالا است. انتظار می‌رفت که دهها مقاله مفید و مفصل در حق احقاق الحق نوشته شود، و استادان و کتابشناسان زبده، ما را در شناسایی بیشتر این دائرةالمعارف امامت و ولایت راهنمایی کنند. اما افسوس که این انتظار راه به جایی نبرد و هرچه گشتیم جز دو مطلب مختصر و مجمل ندیدیم.^۲ راستی که این همه کم‌لطفی، شگفت و دل‌آزار است.

زان یار دلنوازم شکری است با شکایت
گر نکته‌دان عشقی خوش بشنو این حکایت
رندان تشنه لب را آبی نمی‌دهد کس
گویی ولی‌شناسان رفتند از این ولایت
علت یا علل این بی‌مهری، علاوه بر حجاب معاصرت، این گمان است که احقاق الحق بیشتر بر مبنای تولا و تبراً تألیف و ترتیب یافته است، نه تفحص و تحقیق. البته با مطالعه کتاب، بطلان این گمان روشن می‌شود.

۱. از تلاش و تحقیق مستمر مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی در راه احیای احقاق الحق، حکایت‌های بسیاری نقل شده است. برای نمونه، آقای عادل علوی در کتابی که برای بزرگداشت آیت‌الله مرعشی نوشته و با نام قیاس منتشر ساخته است، سخنی دارد به این مضمون که آیت‌الله مرعشی همه روزه پیش از نماز صبحی که در حرم حضرت معصومه (ع) به جماعت اقامه می‌کرد، ساعتی پیشتر از نماز، در حرم مطهر می‌نشست و برای تدوین تعلیقات و ملحقات احقاق الحق مطالعه می‌کرد. رک: قیاس، ص ۵۱.

۲. نخست، مقاله‌ای است کوتاه که زیر مدخل «احقاق الحق» در دائرةالمعارف تنبیح (ج ۱، ص ۵۰۷) منتشر شده است؛ و دیگری مختصر اشاراتی است که در کتاب شهاب شریعت (ص ۲۳۲) آمده است.

در سایه احقاق الحق

محمد صحتی سردرودی

طَبَقَاتُ الْإِحْقَاقِ

تألیف
المرجع الذی نبی الکبیر العلامة الخجسته

کتابخانه العظمیٰ الشیخیه، دارالحدیث والحدیث النبوی

أعلى الله مقامه الشريف

المجلد الثالث والثلاثون

بها همند
السید محسن و المرعی

کتاب احقاق الحق، که اینک در ۳۳ جلد انتشار یافته است، بزرگترین و گسترده‌ترین اثر پژوهشی آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (ره) است. پس از کتابخانه بزرگ آن مجتهد نستوه - که به راستی چون خزانه‌ای غنی و معتبر، پشتوانه بسیاری از پژوهشها و کتابهای منتشر شده در حوزه اسلام و تشیع شمرده می‌شود - این اثر سترگ دومین یادگار ماندگاری

۳. ملا محمد تقی بن ملا عیدی محمد قاری شوشتری (م ۱۱۵۷ ق) بنابه نقل تذکره شوشتر، نهج الحق و کشف الصدق را به صورت لطیفی به فارسی ترجمه کرده است.

۴. سید نصیرالدین مرعشی، جد بزرگ آیت الله مرعشی نجفی، شرحی بر این کتاب دارد.

۵. یکی از علمای عصر شاه تهماسب صفوی نیز مسائل فقهی مورد بحث در نهج الحق و کشف الصدق را تلخیص کرده و آن را خلاصه النهج نامیده است.

ابطال نهج الباطل

این کتاب، که بیشتر ابطال الباطل نامیده می شود، توسط فضل بن روزبهان شافعی مذهب و صوفی مسلک، در رد کتاب نهج الحق و کشف الصدق در سال ۹۰۹ ق نوشته شده است، و در میان آثار ابن روزبهان از همه معروفتر است. وی در این کتاب، از سر تعصب، به علامه حلی می تازد و از آرای متروک و کهنه اشاعره دفاع می کند، که از تبخر و تردستی وی در مناقشه و مغالطه حکایت می کند.

احقاق الحق و ازهاق الباطل

از آثار ماندگار سید نورالله بن شریف حسینی مرعشی (۹۵۶- ۱۰۱۹ ق)، مشهور به شهید ثالث و قاضی نورالله شوشتری است که در رد ابطال نهج الباطل، و در دفاع از نهج الحق و کشف الصدق نوشته شده است.

سطر سطر این اثر، مانند آثار دیگر شهید ثالث، بیش از هر چیز حاکی از روح علوی و همت حسینی شهید ثالث است که از سر غیرت دینی و برای دفاع از کیان تشیع در هندوستان (کشور

۱. ثقة الاسلام تبریزی، مرآة الکتب، ج ۴، ص ۱۵۸؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲۴، ص ۴۱۶. ناگفته نماند که شهید قاضی نورالله شوشتری در مقدمه احقاق الحق (ج ۱، ص ۱۴) اسم کتاب را نخست کشف الحق و نهج الصدق و الصواب می نامد، و سپس در جلد اول (ص ۲۶ و ۳۰) به نقل از ابن روزبهان، نهج الحق و کشف الصدق نام می برد. اما از خطبه کتاب نهج الحق که مرحوم آیت الله مرعشی در پاورقی جلد اول (ص ۷۶) آن را آورده است، به اسم صحیح کتاب، یعنی نهج الحق و کشف الصدق تصریح شده است.

۲. مرآة الکتب، ج ۴، ص ۱۵۸.

۳. سید عبدالعزیز طباطبایی، مکتبه العلامة الحلی، ص ۲۱۱-۲۱۳.

به هر حال، اینک ماییم و حاصل یک عمر تلاش و تکاپوی فقیه بافضیلت و پارسایی که به مصداق «حافظاً لدينه» این دایره الحقایق و موسوعه الفضائل را برای احقاق حق مولای متقیان، علی (ع) و آل اطهارش، بنیان نهاد و سالیان سال تحقیق کرد و در تکمیل و تفسیر آن کوشید و خروشید تا نهج الحق و کشف الصدق را با احقاق الحق احیا کرد و جاودانه ساخت.

کتاب احقاق الحق، در حقیقت، چهار کتاب است:

۱. نهج الحق و کشف الصدق؛
۲. ابطال نهج الباطل؛
۳. احقاق الحق و ازهاق الباطل؛
۴. تعلیقات و ملحقات احقاق الحق.

نهج الحق و کشف الصدق

این اثر، که گاهی از سر تسامح، کشف الحق و نهج الصدق نیز نامیده شده است،^۱ از آثار کلامی علامه حلی (م ۷۲۶ ق) است که در اصول عقاید است و از مسایلی سخن می گوید که اهل سنت برخلاف قرآن و سنت نبوی به آنها التزام پیدا کرده اند.^۲ این کتاب، از همان نخست، مورد توجه دانشمندان و پژوهشگران بوده، و امروزه نسخه های متعددی از آن در کتابخانه های مختلف باقی مانده است.^۳

نهج الحق و کشف الصدق، اولین بار در سال ۱۳۴۴ ق در بغداد و در دو جزء چاپ شد و پس از آن نیز بارها تجدید چاپ گشت، تا این که شیخ عین الله حسینی ارموی به اشراف مرحوم آیت الله سیدرضا صدر به تحقیق آن پرداخت که در سال ۱۴۰۸ ق در قم و سپس در بیروت انتشار یافت.

نهج الحق و کشف الصدق، مانند دیگر کتابهای علامه، قبول خاطر خاص و عام یافته است. علاوه بر شهید قاضی نورالله شوشتری، عده ای دیگر از علمای شیعی نیز به شرح و ترجمه آن پرداخته اند که برخی از آنها عبارت اند از:

۱. رضی الدین محمد خوانساری، به دستور شاه سلیمان صفوی آن را به فارسی ترجمه کرد.
۲. سید جلیل بن عبدالحی یزدی، بخش امامت آن را به فارسی ترجمه کرد و در سال ۱۳۷۳ ق با عنوان فضائل امیرالمؤمنین منتشر ساخت.

عنوان «اقول» می آورد. مرحوم آیت الله مرعشی نجفی نیز در جای جای کتاب، در پاورقی، ضمن شرح و توضیح، و نقد و بررسی آرای مطرح شده، دیدگاه خود را بیان می کند. به این ترتیب، می توان گفت که در احقاق الحق، دیدگاه کلامی چهار دانشمند مسلمان گردآوری شده است، و اینک عقاید و آرای کلامی علامه حلی، ابن روزبهان، قاضی نورالله شوشتری و آیت الله مرعشی نجفی را یکجا می توان مطالعه کرد و تداوم و تطوّر بخشی از اندیشه های کلامی را در ده قرن گذشته به دست آورد.

با عنایت به این که شهید، احقاق الحق را در زمانی کمتر از یک سال (هفت ماه) و همزمان با مسئولیتهای اجتماعی و دینی مهم و کارساز نوشته، شوق و ذوق او در مقام جدال و مباحثه، و حدّث و دقّتش در مقام یک متکلم، در خور ستایش است. با این همه، احقاق الحق، برخلاف دو متن پیشین، تنها به مباحث خشک کلامی بسنده نکرده، بلکه مؤلف، با مطالعات و اطلاعات گسترده ای که داشته، و با سود جستن از منابع فراوان و گوناگونی که آن روزها شهید در کشور پهناور هندوستان در اختیار داشته است، پس از آیات و احادیث فراوان، از امثال و اشعار عربی و فارسی نیز سود جسته است، تا آن جا که اگر بدایع ادبی و لطایف شعری از احقاق الحق استخراج گردد، خود رساله ای مستقل و چشمگیر خواهد شد.

سخنان قاضی در ردّ فقرات خطبه ابن روزبهان بسیار خواندنی است. آن جا که وی به تحقیر کتاب نهج الحق و کشف الصدق می پردازد، و بیشتر، جواب نگفتن علمای عامه را به کتاب علامه توجیه می کند و گاه علت آن را رکاکت الفاظ و متکلف و متعرب بودن متن کتاب می انگارد و علامه حلی را از عوام حله و بغداد می شمارد و گاهی عنایت به نهج الحق را اشاعه بدعت و ... می پندارد و به قوّت قلمی خود می نازد و می بالد، شهید ثالث پس از آن که در مقدمه کتاب، جواب وی

هفتاد و دو ملت) نوشته است و اگر هم گاه گاهی عبارتهای تندى در آن دیده می شود، به علت همان محیطی است که احقاق الحق در آن جا و با شرایط چهار صد سال پیش نگاشته شده است. البته هر محیطی شرایط خاص خودش را می طلبد و گاه حتّی آن شرایط را ناخواسته بر محقق و مؤلف، هرچند بزرگ و بیدار هم باشد، تحمیل می کند و شگفت آورتر این که برخی از آن شرایط هنوز هم پس از گذشت چندین قرن باز در میان مسلمانان و شیعیان هند و پاکستان دیده می شود، حتّی گاه از عناوین کتابهایی که امروزه از طرف مسلمانان و شیعیان هند و پاکستان منتشر می شود، به وضوح پیداست. یکی از نویسندگان معاصر هندی که کتابش در پاکستان انتشار یافته است، درباره قاضی نورالله و کتابش احقاق الحق می نویسد:

«... قاضی نورالله در سال ۱۰۱۴ ق در آگره به سر می برد، و شیعیان به خاطر کتاب ابطال نهج الباطل تحت فشار شدید بودند. در این شرایط، علامه شهید تصمیم گرفت که پاسخ آن را تحت عنوان احقاق الحق بنویسد...»^۱

سپس همین نویسنده در چند صفحه از کتابش به تفصیل از نقش شهید ثالث در ترویج تشیع در دیار هند سخن می گوید، و چکیده سخنش این می شود که تشیع با تلاشهای مخلصانه شهید قاضی نورالله، به ویژه با شهادت مظلومانه اش - که پس از انتشار احقاق الحق به وقوع پیوست - در هندوستان حیاتی دوباره یافت تا توانست تداوم یابد و گسترده گردد.^۲

از زندگینامه هایی که در حقّ شهید ثالث نوشته شده است، پیداست که وی در عمر پربار و پرتلاش خود هیچ گاه آرام ننشسته و نیاسوده است، تا آن جا که نزدیک به ۱۵۰ کتاب و رساله در احیای تشیع نوشته است.^۳ امروزه تنها اندکی از آنها منتشر شده است؛ مانند مجالس المؤمنین، الصوامر المهرقه فی نقد الصواعق المحرقة، السحاب المطیر فی تفسیر آیه التطهیر، احقاق الحق.

قاضی نورالله در میان عموم، بیشتر با مجالس المؤمنین، و در بین اهل علم، بیشتر با احقاق الحق شناخته شده است.

شهید در احقاق الحق، نخست متن نهج الحق را با عنوان «قال المصنّف رفع الله درجته» و سپس متن ابطال نهج الباطل را با عنوان «قال الناصب خفضه الله»، و در نهایت دیدگاه خود را با

۱. سید مرتضی حسین صدرالافاضل، مطلع انوار، ص ۶۹۶. برای تفصیل موضوع به همین کتاب، ص ۶۹۶-۶۹۸ مراجعه شود.

۲. همان، ص ۶۹۴-۶۹۹.

۳. مرحوم آیت الله مرعشی نجفی در مقدمه ای که بر احقاق الحق نوشته اند، ۱۴۰ اثر از آثار قلمی شهید ثالث را نام برده اند. رک: احقاق الحق، ج ۱، ص ۹۰-۹۷.

را داده بود، باز به این جا که می رسد، سخن پیشین خود را یادآوری کرده و خوانندگان را به مطالعه و ملاحظه هر دو متن دعوت نموده و آنان را به داوری می خواند و در نقد این قسمت از سخن ابن روزبهان، که بیشتر طعنه و توهین است، به این شعر طنزآلود تمثّل می جوید:

طعنه بر هر کامل از گفتار ناموزون زند

خر چو سرگینش کند بو، خنده برگردون زند^۱

و آن گاه که ابن روزبهان به دفاع از متصوّفه و عارف نمایان برمی خیزد و آنها را اهل حق می نامد و آیین و آدابشان را، حتّی ساز و سماع و رقص و غنایشان را نیز عبادت می خواند و انتقاد علامه حلّی را در این باره به آنها بر نمی تابد و با جسارت، آن مرد بزرگ علم و عبادت را ناحق می انگارد و با عبارت «هذا الرجل الطاماتی» از علامه حلّی نام می برد، شهید پس از نقد و بررسی این همه حق کشی، به شعری از لسان الغیب استشهد می کند که گفت:

نقد صوفی نه همه صافی و بی غش باشد

ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد

خوش بود گر محک تجربه آید به میان

تا سیه روی شود هر که در او غش باشد^۲

و در جایی دیگر از سر درد می نالد و می نویسد: چه نیکو گفته اند برخی از عارفان:

گر رود این جا بسی دعوی باطل باک نیست

در قیامت قاضی روز جزا پیدا است کیست^۳

و گاهی که ابن روزبهان در تحقیر و تحریف نهج الحق و کشف الصدق به شعر متوسّل می شود و با عبارت «و ما احسن ما قلت» شعری را که در هجو علامه حلّی ساخته بود، می آورد و به بافته های خود می بالد، شهید قاضی نیز شعر را با شعر جواب می گوید.^۴ به راستی که احقاق الحق چنان است که از میرزای قمی، صاحب قوانین الاصول حکایت شده است که می گفت:

«معتقدم که اگر خود علامه حلّی می خواست به سخنان

ابن روزبهان جواب دهد، چنان که قاضی شهید توانسته است، نمی توانست.»^۵

اینک سخنان برخی از دانشمندان شیعی را در حق احقاق

الحق نقل می کنیم. سید احمد حسینی خوانساری، مشهور به

صفاپی، می نویسد:

«در میان کتابهایی که در ردّ علمای عامّه نوشته شده است،

احقاق الحق از بهترینهاست.»^۶

و در ادامه از مقامات سید نعمت الله جزایری نقل می کند که

به مناسبتی از ابن روزبهان نام برده و می نویسد:

«این همان کسی است که بر کتاب علامه، نهج الحق و کشف

الصدق، به زشت ترین صورت رد نوشت، و خدا، امام متبخر،

سید نورالله شوشتری - تغمده الله برحمته - را بر او مسلط

ساخت تا کلامش را با کتابی که او را احقاق الحق نامید، نقد و رد

کرد. و من کتابی برتر از این ندیده ام، چرا که هر چه در ردّ این

ناصبی گفته است، از احادیث و کتابهای خودشان آورده است.»^۷

و از ملا محمد تقی مجلسی حکایت می کنند که می گفت: «بر

فرد فرد شیعیان، لازم است که نسخه ای از احقاق الحق را تهیه و از

آن استفاده کنند.»^۸

و از فقیه پرآوازه، مرحوم وحید بهبهانی نیز نقل می شود که

می گفت: «هر کس می خواهد عقیده خود را محکم کند، به احقاق

الحق مراجعه کند، که او را از کتابهای دیگر بی نیاز خواهد

ساخت.»^۹

از مزایای مهم احقاق الحق این است که در لابه لای آن،

برخی از اخبار و اشعار و ... آورده شده است که در منابع متداول

و رایج نمی توان یافت. البتّه این مزیت، آثار دیگر شهید را نیز

شامل می شود، چرا که شهید، روزگار درازی را در هند و ... به

عزت و شوکت می زیست و برخی کتابخانه های مهم هند را در

اختیار داشت و در تدوین احقاق الحق و آثار دیگرش از آنها

سود می جست، که امروزه بسیاری از آن کتابها یا از میان رفته اند

و یا به هر علّتی در دسترس نیستند. یکی از پژوهشگران معاصر،

انگیزه مهاجرت نورالله شوشتری را از ایران به هندوستان

۱. احقاق الحق، ج ۱، ص ۷۱.

۲. همان، ص ۱۹۲.

۳. همان، ص ۳۳۸.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۳، ۳۰۵-۳۱۹.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۳-۳۴؛ الصوارم المهرقه، مقدّمه.

۶. کشف الامتار عن وجه الکتب و الاسفار، ج ۴، ص ۱۰۲.

۷. همان، ص ۱۰۳؛ احقاق الحق، ج ۱، ص ۳۴.

۸. احقاق الحق، ج ۱، ص ۳۴.

۹. همان، ص ۳۳.

است.

۴. یکی از نوادگان شهید نورالله هم تعلیقاتی بر احقاق الحق نوشته است که نامش شناخته نشده است. تنها همین قدر از برخی حواشی آن فهمیده شده است که باید از احفاد شهید ثالث باشد.^۲

تعلیقات و ملحقات احقاق الحق

مرحوم آیت الله مرعشی، نخست در ابتدای جلد اول، مقدمه مفصلی را با عنوان «الثالی المنتظمه و الدرر الثمینه» آورده که در ۱۶۱ صفحه نوشته است، و در ضمن آن، از علامه حلی و محمد خدابنده الجایتو که علامه نهج الحق را برای وی نگاشته بود و همچنین از فضل بن روزبهان و قاضی نورالله شوشتری و کتابش احقاق الحق و ... سخن گفته است.^۳ سپس تعلیقات گسترده خود را در شرح و توضیح هر سه متن یاد شده، به صورت پاورقیهای ممتد و مفصل نوشته است که گاهی بسیار فرادامن بوده و دهها صفحه طول می کشد و هرچه بیشتر می رود، گسترده تر نیز می گردد.

جالبتر از همه این که گاهی برخی از آرا و افکار قاضی نورالله را هم روان دیده و از آنها انتقاد می کند. برای نمونه، قاضی در رد سخن ابن روزبهان، اهل تصوف را به دو دسته حق و باطل تقسیم می کند و می نویسد: «فان الکلام فی متأخری المتصوفه من النقشبندیة و امثالهم، لا فی قدام الصوفیة الحقّة.» (ج ۱، ص ۱۹۱) و مرحوم آیت الله مرعشی - قدس سره - در انتقاد از این سخن می نویسد: «یا لیت شعری کیف یجتمع التصوف مع الحق...»

درست است که مرحوم آیت الله مرعشی در این اثر سترگ خود، بیشتر، از عقاید شیعی دفاع می کند، اما این کار به هیچ وجه مانع از این نمی شود که از ابراز عقاید خویش سرباز زند. ایشان حتی به شرح و توضیح عبارتهای ابن روزبهان هم می پردازد و آیات و احادیث بسیاری را که ابن روزبهان گاه تنها با اشاره به

- علاوه بر تبلیغ و ترویج تشیع در آن دیار - وجود همان کتابخانه هایی می داند که مانند گنجینه های کشف نشده، گوهرشناسان را شیفته خود ساخته و به سوی خود می کشید.^۱ آری، شهید ثالث برای تدوین احقاق الحق و دیگر آثار پربارش، غربت وطن را به جان می خورد، و سر از پا نشناخته، در راه دفاع از آل علی (ع) به شهادت می رسد، که برخی علت شهادتش را نوشتن کتاب مجالس المؤمنین و بسیاری دیگر انتشار کتاب احقاق الحق می دانند.

پس از شهادت قاضی، احقاق الحق همیشه مورد عنایت علمای شیعه بود و نسخه های متعددی از آن امروزه در کتابخانه ها نگهداری می شود، که برخی از آنها را آیت الله مرعشی نجفی در مقدمه جلد اول احقاق الحق (ص ۲۹ - ۳۰) و بعضی دیگر را در مقدمه جلد دوم (ص ۵۴)، و نیز مقدمه جلد سوم (ص ۸۹) معرفی کرده است.

احقاق الحق، نخست در ایران، در سال ۱۲۷۳ ق چاپ شد، و در مصر نیز با حذف بعضی از مطالب آن انتشار یافت. همچنین در سال ۱۳۲۶ ق، نیمه نخست آن، تا بحث چهارم که در تعیین امام است، به اشراف حسن بن دخیل حجامی نجفی، در مصر به طبع رسید. باز در تهران به تصحیح ابراهیم میانجی، در سال ۱۳۷۶ ق به چاپ رسید و سپس توسط کتابخانه اسلامی به سال ۱۳۹۶ ق منتشر شد. بالاخره آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) با اتمامی که از سال ۱۳۳۳ ق به آن داشت، از سال ۱۳۷۷ ق به احیا و انتشار آن قیام کرد.

ناگفته نماند که علمای شیعه، بیشتر به شرح و توضیح یا ترجمه احقاق الحق اقدام کرده بودند که برخی از آنها عبارت اند از:

۱. مرحوم علامه محمد حسن مظفر کتابی را در تکمیل احقاق الحق و در رد کتاب ابن روزبهان نگاشت و آن را دلائل الصدق فی نهج الحق نامید که در سه مجلد انتشار یافت.

۲. سید نصیرالدین حسین بن عبدالوهاب طباطبایی بهبهانی، احقاق الحق را به فارسی ترجمه کرده است، که در تاریخ ۱۰۹۶ ق، یعنی پس از گذشت ۷۷ سال از شهادت قاضی، آن را به پایان برده است.

۳. مولوی محمدعلی سندوی حائری نیز احقاق الحق را به زبان اردو ترجمه کرده که در کربلا به سال ۱۲۰۵ ق آن را تمام کرده

۱. مراجعه شود به زندگینامه شهید ثالث در سلسله کتابهای دیدار با ابرار، به قلم توانای آقای ابراهیم زاده، که در دست انتشار است.

۲. احقاق الحق، ج ۲، ص ۵۴-۵۵، مقدمه آیت الله مرعشی نجفی (ره).

۳. بیشتر نیز مرحوم محدث ارموی، رساله ای را درباره زندگانی و آثار شهید ثالث، با عنوان فیض الاله فی ترجمه القاضی نورالله نوشته و در مقدمه کتاب دیگر قاضی نورالله، الصوامع المهرقه منتشر ساخته بود.

آنها استشهاد کرده است، به شرح و تفصیل می آورد و به هیچ وجه از سر تعصب از توضیح و تبیین سخنان مخالف وی شانه خالی نمی کند.

جلد اول و دوم و سوم به همین ترتیب پیش می رود. البته چون از اواسط جلد دوم، بحث امامت شروع می شود، تعلیقات و ملحقات مرحوم آیت الله مرعشی هم به تناسب موضوع گسترش بیشتری می یابد که از جلد چهارم تا هفتم به صورت کامل ادامه پیدا می کند. چنان که دیگر در جلدهای چهارم و پنجم و ششم خبری از متون سه کتاب گذشته نیست، و هرچه هست تألیف آیت الله مرعشی است که به صورت مستدرک در تکمیل احقاق الحق تدوین یافته است.

از اواسط جلد هفتم دوباره متن کتابها با تعلیقات پی گرفته شده، پس از نزدیک به صد صفحه، باز قطع گشته، دوباره مستدرکات مفصل با عنوان کلی ملحقات الاحقاق شروع شده است و ظاهر این است که ملحقات تا آخر ادامه پیدا کرده و دیگر خبری از متن احقاق الحق نیست. با این همه، باز تا جلد ۱۹، عنوان پشت جلد، احقاق الحق است و تنها در جلدهای ۲۰ و ۲۱ عنوان ملحقات الاحقاق در پشت جلد ثبت شده است.

به این ترتیب، خواننده درمی ماند که آیا بالاخره در جلد هفتم، متن احقاق تمام شده یا نه؟ اگر نشده، پس چرا عنوان پشت جلد (تا جلد ۱۹) احقاق الحق است؟

به هر حال، پس از انتشار جلد ۲۱، گویی کار تمام شده فرض می شود و فهرست مفصلی در یک جلد - که شامل فهرست آیات و روایات ۲۱ جلد گذشته است - انتشار می یابد. اما دوباره ادامه کار ملحقات پی گرفته شده و تا کنون ۳۳ جلد از آن توسط کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی انتشار یافته و در بیروت هم به صورت افست منتشر شده است.

گفتنی است که در سیزدهمین دوره معرفی کتاب سال، ملحقات الاحقاق در سال ۱۳۷۴ ش به عنوان کتاب سال انتخاب شد که گزارشی مختصر از آن در شماره اول مجله شهاب دیده می شود. در ضمن همان گزارش نوشته شده است:

«پیش بینی می شود شماره جلدهای این کتاب به پنجاه برسد. این مجموعه، دائرةالمعارفی از فضایل و مناقب ائمه طاهرین (ع) است که بدون استثنا، منابع و مصادر اهل سنت - با

ذکر نام کتاب، مؤلف، صفحه، سال و محل چاپ - مورد استناد قرار گرفته است. این اثر حاصل کار چهل سال تلاش و تحقیق آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) است. در نظر است پس از انتشار جلد ۳۳، فهرستی کامل از مطالب کتاب فراهم و منتشر گردد. همچنین منابع و مصادر استفاده شده، در فهرست جداگانه دیگری با نام مصادر ملحقات الاحقاق معرفی شود.»

ناگفته نماند که بعضی از محققان محترم و پژوهشگران سختکوش، در تدوین و تکمیل این اثر بزرگ سهم بوده اند که نامشان در مقدمه بعضی از جلدهای احقاق الحق ثبت شده^۱ و گزارشی از چگونگی کارشان در کتاب شهاب شریعت آورده شده است که جا دارد در این جا نقل شود:

آیت الله مرعشی نجفی، از نیم قرن پیش به تهیه مدارک و منابع این تحقیق اقدام کرد و کتابهای مهم و مرجع حدیث و دیگر موضوعات مربوط به این کتاب را با مشکلات فراوان تهیه نمود. فرزند ارشد و وصی ایشان، در این راه کمک فراوانی به ایشان کرد، که اگر مساعدتهای ایشان نبود، شاید کار تألیف به شکل کنونی انجام نمی گرفت. از همان زمان، آیت الله مرعشی نجفی هیئتی به نام «لجنة احقاق الحق» در منزل خویش منعقد نمودند. اعضای این لجنه در آغاز کار حدود شانزده نفر بودند و بعدها تعدادشان به بیست نفر رسید.

اعضای این لجنه - که مستقیماً زیر نظر ایشان فعالیت می کردند - در آغاز به استخراج احادیث مأثور از کتب اهل سنت و جماعت و ثبت و ضبط نکات دقیق علمی، شامل حدیث، کلام، تفسیر، تاریخ، رجال، درایه و ... می پرداختند، و به نام کتاب، مؤلف، محل و سال چاپ و شماره جلد و صفحه مرجع و مدرک بررسی شده اشاره می کردند.

گروه دوم، مطالب استخراج شده و علامتگذاری شده را می نوشتند. گروه سوم، مقابله می کردند، و گروه چهارم، مطالب استخراج شده را - در هر موضوع که بود - با رعایت ترتیب تقدم مؤلفین، از قرن دوم تا عصر حاضر، در جاهای مناسب احقاق الحق وارد می کردند. گروه آخر، نوشته های مذکور را دوباره مرور، و بعد از تصحیح دوم و علامتگذاری مطبعی، آماده

۱. احقاق الحق، ج ۱۵، ص ۴-۵، ۱۶.

۱۴۱۸ ق؛

۱۷. آیت الله سید عبداللطیف قریشی کوه کمری؛

۱۸. حجت الاسلام و المسلمین میرزا اسماعیل مردی؛

۱۹. حجت الاسلام و المسلمین شیخ علی اصغر موحدی همدانی؛

۲۰. حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی.^۱

در این جا تذکر این نکته ضروری می نماید که این اثر بزرگ و گسترده، در یک زمان و یکجا انتشار نیافته و پس از انتشار جلد های پیشین، همواره استندرا کهایی بر آن افزوده شده است، در نتیجه، مطالب کتاب جدا از هم و ناهمگون است، که کار را برای مراجعه کننده دشوار می کند و این گنجینه گرانسنگ و پرگوهر را همچنان غریب و دست نیافتنی می نماید. مثلاً کسی که می خواهد فضایل و مناقب امام حسین (ع) و اخبار شهادت آن حضرت را در احقاق الحق مطالعه کند، ناچار است همه کتاب را از جلد اول تا جلد ۳۳ ببیند، چرا که مطالب یاد شده در چندین جلد آورده شده است: پیشگوییهای امام علی (ع) درباره شهادت امام حسین (ع) در جلد ۸ (ص ۱۴۱ - ۱۵۱)، فضایل امام حسین (ع) یک بار در جلد ۱۱ (ص ۲۵۵ - ۶۴۸) و بار دیگر در جلد ۱۹ (ص ۳۶۱ - ۴۳۷) و دیگر بار در جلد ۲۷ (از اول تا آخر) و باز در جلد ۳۳ (ص ۵۶۹ - ۷۶۲) آورده شده است؛ در حالی که اگر این همه، و موارد دیگری که یاد نشد، همه در یک جا آورده می شد، در حدود سه جلد از احقاق الحق ویژه امام حسین (ع) می شد، و مراجعه کننده می توانست به سهولت همه را یکجا مطالعه کند.

البته این ناهمگونی را به چند طریق می توان جبران کرد: نخست این که پیش از هر کار، فهرستهای فنی و کلیدی احقاق الحق، به صورت دقیق و کارآمد تهیه گردد و انتشار یابد؛ دوم، چنان که مرسوم و متداول است، به تناسب موضوع و مفاهیم احقاق الحق، باید در کنار انتشار احقاق الحق، به انتشار ترتیب احقاق الحق، یا ترتیب ملحقات الاحقاق اقدام کرد. خوشبختانه این فهرستهای فنی در حال انجام است و به یاری خداوند در آینده منتشر خواهد شد.

چاپ می کردند.

منابع و مآخذی که حجت الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی نجفی برای این کار تهیه کرده بود، بیش از پنج هزار عنوان کتاب از اهل سنت، در فضایل و مناقب ائمه اطهار (ع) و مثالب دشمنان شان و بعضی مسایل مهم فقهی، اصولی و آرای آنان است. اهمیت این کار وقتی روشن می شود که بدانیم بسیاری از این کتابها جدآ کمیاب و یا منحصر به نسخه های خطی آنها بوده است.

مرحوم آیت الله مرعشی، خود بیشتر این منابع را از اول تا آخر مطالعه می کردند، و در موارد لازم، علامتگذاری و یادداشت می کردند و مستقیماً عملکرد اعضای لجنه را زیر نظر داشتند و تمامی مطالب با تأیید ایشان استخراج و آماده می گردید.

اعضای لجنه احقاق الحق، که سالها به این کار مشغول بودند، عبارت اند از:

۱. مرحوم حجت الاسلام میرزا علی اکبر ایرانی؛
۲. آیت الله حاج شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی (م ۱۳۴۵ ق)؛
۳. حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسن باقری همدانی؛
۴. مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج میرزا تقی زرگری تبریزی؛
۵. آیت الله میرزا اسماعیل رحمت خواه تبریزی؛
۶. مرحوم آیت الله حاج میرزا عبدالله شهیدی قزوینی (۱۳۴۰ - ۱۴۱۴ ق)؛
۷. حجت الاسلام و المسلمین حاج میرزا یدالله غروی تبریزی؛
۸. آیت الله حاج میرزا حسن غفاری نژاد تبریزی (م ۱۳۴۵ ق)؛
۹. حجت الاسلام و المسلمین حاج سید موسی کوکبی تبریزی؛
۱۰. آیت الله حاج سید مهدی لاجوردی قمی؛
۱۱. مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج میرزا رسول مرزآبادی؛
۱۲. مرحوم آیت الله حاج میرزا باقر مرندی (م ۱۳۲۸ ق)؛
۱۳. آیت الله حاج سید عبدالحمید مرندی (م ۱۳۳۵ ق)؛
۱۴. مرحوم آیت الله حاج میرزا صادق نصیری؛
۱۵. مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج میرزا احمد مولوی همدانی؛
۱۶. مرحوم آیت الله حاج شیخ قوام الدین و شنوهای (۱۳۲۹ -